

## رفتارهای شهروندی در جامعه دینی

حمید زارع\*

استادیار دانشکده مدیریت، پردیس قم، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۵/۲۸)

### چکیده

موضوع شهروندی از مسائلی است که از گذشته‌های دور مورد توجه اندیشمندان از حوزه‌های مختلف علمی بوده است. از آثار فلاسفه یونان و روم تا نوشته‌ها و آثار حکمای اسلام. جنبه‌هایی از این مفهوم قابل تشخیص و شناسایی است. در بحث شهروندی آنچه به نظر می‌آید که واجد اهمیت بیش‌تری باشد، ابعاد رفتاری آن است. اینکه شهروندان مطابق مبانی فکری گذشته و موجود از جهت رفتاری به چه ویژگی‌ها و خصصت‌هایی باید متصف باشند، مهم است. در این نوشتار ضمن مروری بر ریشه‌ها و ادبیات موضوعی شهروندی از گذشته دور تا کنون، به رفتارهای شهروندی در جامعه دینی نیز پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش در متون دینی اسلامی برای رفتار شهروندان مسلمان در جامعه دینی ابعاد و مؤلفه‌هایی معرفی شده است که در صورت عمل به آنها و نهادینه شدنشان در زندگی اجتماعی بشر، می‌توان دنیایی زیبا را به انتظار نشست، که در آن طعم شیرین زندگی سالم احساس شود.

### واژگان کلیدی

شهروندی، رفتار شهروندی سازمانی، جامعه دینی.

## مقدمه

فلاسفه و حکما به منظور ایجاد نظم پایدار در زندگی این جهانی مردم به موضوع جمعیت (مردم) و کیفیت آن توجه خاصی را نشان داده‌اند. آنان بر این باورند که یکی از ارکان مهم قوام هر حکومت، مردم و یا به عبارت دیگر شهروندان آن جامعه هستند و به همین دلیل به مفهوم شهروندی و مباحث مربوط به آن علاقه نشان داده‌اند و مسایلی را مورد توجه قرار داده‌اند که در ایجاد جامعه‌ای با شهروندان منضبط و کوشا، اثرگذار است. ارسطو به درستی گفت که شهروند خوب، دولت را خوب، و شهروند بد، دولت را بد می‌کند. شهروند خوب، خردمند، با انضباط و سالم است. شهروندان سالم، سلامت دولت را تأمین می‌کنند، بیماری قوه تعقل، توانایی کار، انرژی و قابلیت زندگی را نابود، تولید را کم و تبلی را زیاد می‌کند. هم‌چنین شهروند خوب اجازه نمی‌دهد که اختلافات قومی، زبانی، دینی و سیاسی وحدت دولت را از بین ببرد (عالم، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱).

## مروری بر مباحث شهروندی و تاریخچه آن

مباحث مربوط به شهروندی در آثار و نوشته‌های فلسفی و فلسفه سیاسی ریشه‌ای تاریخی دارد. آنتونی گیدنز نظریه‌پرداز اجتماعی برجسته معاصر بر آن است که پدیده‌های مدرن - از جمله پدیده شهروندی - برخوردار از یک پیشینه تاریخی بلندمدت و کوتاه‌مدت هستند (گیدنز، ۱۳۸۰). از این رو برای بررسی تکوین و توسعه تاریخی - اجتماعی پدیده شهروندی و نیز گسترش مفهومی نظری آن ضروری است که این سیر تاریخی دوگانه (بلندمدت و کوتاه‌مدت) توأمان و به طور مختصر واری شود.

تکوین و توسعه تاریخی پدیده شهروندی همچون سایر پدیده‌های مدرن دارای یک پیشینه تاریخی بلندمدت (از دولت شهر آتن در یونان باستان تا امپراتوری روم باستان و قرون وسطی در غرب) و یک پیشینه تاریخی کوتاه مدت (از رنسانس تا عصر روشنگری در سده ۱۸ و دوران تاریخی معاصر در سده ۲۰) است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ص ۲۵).

واژه شهروندی به معنای عضو کشوری بودن و یا عضویت داشتن در محدوده دولتی *Archive of SID* ملی معنا می‌شود.

از نظر ارسطو یکی از مهم‌ترین عناصر شهر، شهروندان می‌باشند و ارسطو اصل شهروندی را با اقامت فیزیکی در قلمرو یک حکومت یکی نمی‌داند؛ زیرا بیگانگان و بندگان نیز مقیم شهر می‌باشند. بنابراین آنچه می‌تواند به مثابه شهروندی تلقی شود حق شرکت در تصمیم‌های دولت و صلاحیت اعمال حاکمیت دولت است (خاتمی، ۱۳۷۳، ص ۷۷).  
به اعتقاد ارسطو وظایف مدنی فقط در صورتی به درستی انجام می‌شوند که شهروندان شخصا یکدیگر را بشناسند.

در توصیف سقراط گفته‌اند که «انجام وظایف مدنی و خودداری از نقض مقررات جامعه» دو ویژگی عمده زندگی او به عنوان شهروند آتن بودند. به همین جهت هم در مقابل پیشنهاد شاگردانش از زندان فرار نکرد و در جواب گفت: اطاعت حکم دولت برای حفظ نظام اجتماعی واجب است و لو آنکه حکم دولت به خطا و ضرر شخص باشد (عالم، ۱۳۸۰، ص ۶۲).

آگوستین نیز که از فلاسفه قرن چهارم میلادی (۳۵۴-۴۳۰ م) است معتقد بود که انسان شهروند دو شهر است: شهر محل تولد و شهر خدا. البته وی با برداشتی معنوی اظهار می‌کرد که منافع بشر به دو گونه است، منافع زمینی و این جهانی، و منافع آسمانی و اخروی. منافع زمینی به جسم طبیعی انسان‌ها مربوط است و منافع آن جهانی به روح انسان. شهر زمینی قلمرو شیطان و در معرض نابودی و تغییر است. او گفت که تاریخ از زمان نافرمانی برخی فرشتگان آغاز شد و بعدها پیوسته داستان کشاکش دو نیروی خدایی و شیطانی تکرار شد و در نهایت به پیروزی شهر خدا یا نیروهای خدایی خواهد انجامید (عالم، ۱۳۸۰، صص ۲۲۴-۲۲۵).

ظاهراً واژه شهروند<sup>۱</sup> در مقابل واژه اتباع<sup>۲</sup> باشد. هنگامی که می‌گوییم افراد اتباع حاکمانی خاص یا مطیع آنها یا حکومت‌های اجتماعات سیاسی خاصی هستند، به معنای

- 
1. Sitizen
  2. Subjects

آن است که این افراد، تحت انقیاد این حاکمان یا حکومت‌ها در آمده‌اند یا تسلیم آنها شده‌اند (مکالم، ۱۳۸۳، ص ۳۶۸). البته عموماً می‌گویند افراد تابع حاکمان یا حکومت‌ها، دارای حق حمایت از سوی آنها هستند (این نکته، نظر هابز است) (عالم، ۱۳۸۰، ص ۳۶۹). اما شهروند به هر تبعه‌ای نمی‌گویند. به نظر می‌رسد که امپراتوری‌های قدیم، گواه این گفته‌اند که هر تبعه‌ای شهروند نیست. افرادی که شهروند هستند، از امتیازات و توانایی مشارکت در امور سیاسی اجتماع مورد نظر برخوردارند (همان، ۱۳۸۳، ص ۳۷۳).

شهروند بودن در قدم اول به معنای اقدامی است که فرد در جهت قدرت بخشی<sup>۱</sup> به خود در برابر محیطی که در آن زاده شده است، انجام می‌دهد (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲، ص ۹۴).

چگونگی قدرت بخشی از مسایلی بوده که همیشه مورد توجه بوده است. بنابراین، شهروندی مستلزم اقداماتی است که موجب ایجاد حاکمیت قانون شود نه حاکمیت فرد. علاوه بر این، مدیریت شرایط با وضع قانون، همواره مستلزم اعتقاد به توانایی عقلانیت انسان‌ها در رسیدن به این نتیجه است که برای چیرگی بر جهان طبیعی و غیر قابل کنترل چه باید کرد. شهروندی به مثابه قدرت بخشی و سلطه بر یک زمینه تهدید کننده، بر اولویتی متکی است که به ظرافت عقلانیت انسانی داده می‌شود (همان، ص ۹۵).

### الگوها و مدل‌های شهروندی

یکی از اولین الگوهای شهروندی را می‌توان الگوی آتنی دانست. اولین موضوع در الگوی آتنی، برقراری نظم و صلح در برابر آشفتگی بود. افلاطون در این باره به نگرانی عمیق زئوس<sup>۲</sup> هنگام الهام به سروش آسمانی خود، هرمس<sup>۳</sup> اشاره می‌کند که در آن زئوس نسبت به صلح در اجتماعاتی که با اغتشاش مواجه شده‌اند، ابراز نگرانی می‌کند و از هرمس می‌خواهد که به انسان‌ها خصایلی همچون احترام به دیگران و درک عدالت را بیاموزد تا بدین ترتیب، نظم به شهرهای ما باز آورده شود و پیوندی از دوستی و اتحاد ایجاد شود. موضوع دیگر در این الگو، عبارت از

- 
1. Empowerment
  2. Zeus
  3. Hermes

اتحاد مردم با همدیگر برای ایجاد حاکمیت قانون در میان خود به عنوان افرادی برابر بود مطابق به نظر ارسطو، شهروندان، دولت را به منظور تضمین بقای خود به صورت اجتماعی خود بسنده در فرایند مذاکره‌ای که شامل همه شرکت کنندگان می‌شد، ایجاد کرده‌اند. در این الگو افراد به وسیله خون به هم پیوند می‌خورند، تأکید ارسطو هم بر این بود که تنها آنهایی می‌توانند شهروند به حساب آیند که موفق به برقراری روابط خویشاوندی (خون) با اشخاص دیگری که در گذشته از این حقوق بهره‌مند بودند، شده باشند (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲، ص ۹۹).

الگوی دیگر، شهروندی چند قومی در روم باستان بود. شهروندی در روم باستان به طور کامل معنای جدیدی پیدا می‌کند. از این رو، شهروندی دیگر به عضویت در یک «دولت-شهر» خاص محدود نمی‌شد و هم‌چنین حتی کم‌تر بر پایه تعلق به یک اجتماع مبتنی بر خویشاوندی بود. با توسعه روم از یک دولت-شهر به یک امپراتوری وسیع، شکلی از شهروندی نیز به تبع آن توسعه یافت که قادر به ادغام مردمانی با ریشه‌های فرهنگی کاملاً متفاوت بود. در دوران جمهوری روم، اترسکن‌ها<sup>۱</sup> و سایر مردمان مختلف شبه جزیره ایتالیا، به همراه یونانیان و گل‌ها<sup>۲</sup> به صورت شهروند در جمهوری ادغام شدند. علاوه بر این، در زمینه‌های اجتماعی نیز شهروندی گسترش داده شد، چنانکه به بردگان آزاد شده هم که اغلب در خانواده ارباب خود باقی می‌ماندند، شهروندی اعطا شد. در مواردی نیز هزاران اسیر جنگی که به صورت برده در آمده بودند، آزاد گردیدند و به شهروند تبدیل شدند. این برده‌ها از یونان، سوریه، گل و منطقه دانوب آورده شده و به همین علت دارای ریشه‌های قومی مختلفی بودند. شهروندی در دوران امپراتوری روم، به افراد و گروه‌هایی که به روم خدمت کرده بودند، یعنی نیروهای امدادی یا قبایلی که در دفاع از مرزهای امپراتوری مفید تلقی می‌شدند، اعطا گردید.

اگر در یونان شهروندی به معنای تعلق به یک شهر بود، در روم معنای هر دو انگاره (شهروندی و تعلق) توسعه پیدا کرد. شهروندی رومی، به معنای عضویت در یک اجتماع سیاسی مبتنی بر حقوق و تکالیف تعریف شده در قانون بود. مطابق با دیدگاه دمانت<sup>۳</sup>،

- 
1. Etruscans
  2. Gauls
  3. Demant

شهروندی دیگر بر اساس شروطی مانند تاریخ و فرهنگ مشترک تعریف نمی‌شد و بنابراین، می‌توانست به هر کس با هر منشأ و ریشه‌ای اعطا شود.

نکته مهم در مورد تاریخ شهروندی این است که اولین تجلی شهروند به عنوان یک موضوع حقوقی، همراه با حقوق مدنی و خصوصی در روم به نمایش گذاشته شد. این امر، موجب شد که راه برای پذیرش خارجیان باز شود و مبنایی نیز برای اصل عام‌گرایی در حقوق شهروندی ایجاد شود.

شهروندی رومی به معنای شهروندانی فعال که به اعمال قدرت سیاسی بپردازند، نبود، بلکه به معنای شهروندانی منفعل با حقوق و تکالیف مشخص در قالب یک «دولت قانون‌مند» بود. از این رو، در مقایسه با دولت-شهرهای یونانی، شاید بتوان گفت که شهروندی رومی در زمینه شمول و فراگیری قدمی رو به جلو برداشت، ولی از جهت دموکراسی یک قدم به عقب برگشت (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲، صص ۱۰۹-۱۱۰ و ۱۱۲).

الگوی سوم، نظریه شهروندی از نوع جدید آن و در قالب شهروندی دولت - ملت به عنوان یک قرارداد اجتماعی<sup>۱</sup> مطرح گردیده است. هسته اصلی چنین نظریه‌ای، تأکید بر این نکته بود که حاکم یا دولت، تنها با اجماع نظر تابعان خود حکومت می‌کند. بدین ترتیب، نظریه شهروندی از نوع جدید آن در برابر پیش زمینه قدرت موجود دولت طرح گردید. بر خلاف عقیده یونانی که در آن شهروندی به صورت اندام‌وار از درون یک اجتماع رشد می‌کرد و در قالب آن دشمن شهروند چیزی جز دیگری دون مرتبه در پشت دیوارهای شهر نبود. نظریه مدرن، شهروندی را به صورت تأکید بر افراد در برابر قدرت خودکامه دولت تعریف می‌کرد. این نظریه، همزمان این انگاره را که هر کس جزئی از یک خانواده بوده و در آن قدرت حاکم پدر است، رد می‌کرد. بدین ترتیب، این نظریه بر خلاف سلسله مراتب اقتدار و توجیهی که به صورت طبیعی مسلم فرض می‌شد، تنها بر سلسله مراتب اقتدار و توجیهی تأکید داشت که بر خواست اجتماعی مبتنی باشد. این جریان، در نهایت به حمایت از درک متعارف مردم در برابر همه خبرگان منتهی گردید (همان، صص ۱۱۵-۱۱۶).

---

## 1. Social Contract

شهروندی در نظریه لیبرال - دموکراسی، به عنوان نهادی که ایجاد کننده *Archive of SID* و یکپارچگی سیاسی است، در نظر گرفته می شود. براین اساس، موقعیت شهروند، فراگیر و برای همگان مهیا و قابل دسترسی است (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷).

شهروندی جهانی علاوه بر حقوق می بایست مسئولیت ها را نیز شامل شود. رشد سریع اندیشه سیاسی زیست محیطی در سال های اخیر به حساس شدن ما به حفظ منابع طبیعی و تغییر جهت به سمت توسعه پایدار<sup>۱</sup> کمک نموده، یعنی توسعه ای که به پدیده هایی نظیر گرم شدن زمین و باران اسیدی یاری نمی رساند. بعد زیست محیطی شهروندی در بردارنده گسترش اخلاق و مراقبت است. اخلاقی که برای بسیاری از تفاسیر فمینیستی از شهروندی جنبه محوری دارد.

درباره شهروندی زیست محیطی توجه به نکته های زیر ضروری است:

اول اینکه شهروند زیست محیطی<sup>۲</sup> به گونه ای فزاینده از فرایند ارگانیک تولد و رشدش در زمین به عنوان یک ارگانیزم زنده آگاه می شود. چنین برداشتی از شهروندی نگرش مرد محوری و تجریدی به شهروندی را به چالش می کشد، دیدگاهی که برای لیبرالیسم محوریت داشته و رویکرد ذره انگاره ای را به مسأله حقوق و مسئولیت ها تشویق نموده است.

دوم اینکه شهروندی زیست محیطی باعث می شود که در مورد شهروندی درکی فراتر از علائق مادی مان به حقوق رفاهی و حقوق مالکیت و مبادلات بازار داشته باشیم. بررسی شهروندی زیست محیطی به ما کمک می کند که پیوندهای مفهومی میان شهروندی خصوصی و مشکلات جهانی را درک کنیم. افراد با تلاش برای عمل مسئولانه در روابطشان، الگوهای مصرفشان و نحوه برخوردشان با محیط زیست، می توانند از معیارهای کاملا کمی موفقیت انسان به سمت ارزیابی های عمیق تر و کیفی تر حرکت کنند نظیر کیفیت هوایی که تنفس می کنند، زیبایی طبیعی و بهره مندی از غذای تازه. چنین درکی از شهروندی چالش مهمی را برای سلطه تفرقه افکنانه زبان مبتنی بر بازار ایجاد می کند، زبانی که بر معیارهای تنگ نظرانه اقتصادی به عنوان معیارهای اصلی دستاوردهای بشر تأکید نموده است. همان طور که نیوبای<sup>۳</sup> اظهار داشته، محیط زیست گرایی به

- 
1. Sustainable Development
  2. Ecological Citizen
  3. Newby

پذیرش بسیار گسترده‌تر این حقیقت منجر شده که رفاه اقتصادی به خودی خود مدنیت، تسخیر اجتماعی یا حتی یک احساس نفع شخصی روشنفکرانه را ارتقا نمی‌دهد.

سوم این که ایده پیشرفت بی‌نهایت که با لیبرالیسم، نوآوری علمی و رشد اقتصادی مرتبط است، به وضوح توسط جهانی شدن که محدودیت‌های مدرنیته را آشکار نموده به چالش کشیده شده است. شهروندی زیست محیطی مستلزم این است که ما موضوعات مربوط به حفظ محیط زیست را حداقل به اندازه موضوعات پیشرفت در علم و اقتصاد حایز اهمیت بدانیم. بنابراین مسؤلیت‌های ما به عنوان شهروند نه تنها شامل افرادی که فعلا با هم در یک جامعه یا سیاره زندگی می‌کنند، بلکه شامل گونه‌های دیگر، محیط زیست و نسل‌های آینده شهروندان نیز می‌گردد. اسمیت معتقد است که شهروندی باید به وسیله ارزش‌های محیط زیست محور در تقابل با ارزش‌های انسان محور پی‌ریزی شود. حتی اگر نخواهیم بپذیریم که حیوانات یا گونه‌های طبیعی به این صورت از حقوق برخوردار باشند، باز باید مسؤلیت‌هایمان را در قبال آن‌ها بپذیریم و انجام دهیم (اسمیت، ۱۹۹۸، ص ۹۱).

باز اندیشی در مورد شهروندی در پاسخ به نگرانی‌های زیست‌محیطی گواه خوبی است بر این ادعا که مواجهه با خطرات جهانی نیازمند قطع پیوند شهروندی با مفاهیم محدودکننده‌ای نظیر دولت-ملت یا تقسیم حوزه عمومی و خصوصی می‌باشد. همان‌طور که از ایده شهروندی خصوصی برمی‌آید شهروندی زیست محیطی دربردارنده این موضوع نیز خواهد بود که حقوق و مسؤلیت‌ها را در محیط‌های غیرمتعارف نظیر خانواده، سوپر مارکت (به وسیله انتخاب‌هایی که به عنوان مصرف کننده انجام می‌دهیم) و محیط کار جدی‌تر بگیریم. شهروندی زیست محیطی برداشتی عمیق‌تر از برداشت لیبرالیسم کلاسیک به شمار می‌آید. بسیاری از مسؤلیت‌های این نوع شهروندی پسالیبرال، تعهدات داوطلبانه خواهند بود و نه وظایف اجباری. اما اقدامات فردی از لحاظ الگوهای مصرف مسؤولانه و دارای قابلیت بازیافت و... تنها می‌توانند بخشی از پاسخ به چالش‌های جهانی شدن را تشکیل دهند. حکومت‌ها علاوه بر برقراری چارچوب نهادی آموزشی و سیاسی لازم برای توسعه این شهروندی جدید باید تمایل بیش‌تری نیز برای ایفای مسؤلیت‌ها در فراسوی مرزهایشان از خود نشان دهند. نظم جهانی کنونی شدیداً حول منافع دولت‌ها سازماندهی شده است و حقوق بین‌الملل هنوز معطوف به



فعالیت‌های دولت‌ها هستند و نه افراد. بنابراین گام مهم به سمت یک شهروندی جهانی‌تر این است که دولت‌ها تمایل بیش‌تری برای ایفای تعهدات جهانی و ایجاد پیوندهای قوی‌تر با دیگر کشورها داشته باشد (فالکس، ۱۳۸۱، صص ۱۹۳-۱۹۵).

### رفتارهای مورد انتظار از شهروندان

طرفداران مکاتب مختلف بر اساس مبانی فکری خود انتظار بروز رفتارهای خاصی را از شهروندان دارند. در «فلسفه کلاسیک یونانی»<sup>۱</sup> بر وفاداری و «حمایت»<sup>۲</sup> به عنوان شکل‌های مهم رفتار شهروندی تأکید می‌شود (فارح و همکاران،<sup>۳</sup> ۲۰۰۴، ص ۲۴۹).

گراهام از کسانی است که مؤلفه‌های رفتار شهروندی سازمانی را بر مبنای فلسفه کلاسیک و تئوری نوین علوم سیاسی مطرح می‌کند. مؤلفه‌های مطرح شده از سوی گراهام تشکیل یافته‌اند از چیزی که اینکلز<sup>۴</sup> (۱۹۶۹) از آن به عنوان «نشانگان شهروند فعال»<sup>۵</sup> یاد می‌کند. بعد اول «اطاعت» یا «احترام» به فرایندها و ساختارهای نظم یافته است. شهروندان برای اطاعت از قوانین موجود که مدافع و حامی آنان است، مسؤولند. البته این مؤلفه به دلیل اینکه نشانگر پایبندی فرد به ساختارها و دستورات رسمی است و رفتار شهروندی سازمانی تلاش‌های غیررسمی را شامل می‌شود، از موضوع بحث ما خارج می‌شود.

مؤلفه دوم وفاداری است که شهروندان به منافع دیگران توجه می‌نمایند. شهروندان وفادار ارتباطاتشان را توسعه می‌دهند و برای تلاش‌های اضافی در جهت خیر عمومی، داوطلب می‌شوند. مؤلفه سوم مشارکت است، فردی که علاقه‌مند به مشارکت در دولت است خود را آگاه و مطلع نگه می‌دارد، اطلاعات و ایده‌های خود را با دیگران تسهیم می‌کند. درباره موضوعات جنجالی وارد بحث و گفتگو می‌شود. در انتخابات‌های اساسی، رأی می‌دهد و دیگران را تشویق می‌نماید که این چنین رفتاری داشته باشند (گراهام، ۱۹۹۱؛ وان داین و همکاران، ۱۹۹۴، ص ۷۷۴).

- 
1. Classic Greek philosophy
  2. Boosterism
  3. Farh, et. al
  4. Inkeles
  5. Active citizenship syndrome

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تلاش شده است با ظرفیت ویژه‌های *SID* و *Archive of SID* خصوصیات مهم یک شهروند اثربخش و مؤثر در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و قانونی به تصویر کشیده شود. هدف اصلی این فعالیت فراهم آوردن مبنایی برای رشد روحی و روانی افراد، افزایش مسؤلیت‌پذیری شخصی و کمک به افراد در جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل جهت نیل به آرمان ملی یعنی توسعه پایدار می‌باشد (مدانلو، ۱۳۸۶، ص ۴).

در تحقیقی که توسط لی<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۹ در سطح آسیا انجام شده است با استفاده از نظرات رهبران سیاسی، سیزده ویژگی را برای شهروند خوب بر شمرده‌اند. بر طبق یافته‌ها شهروند خوب باید:

۱. از مسایل، حوادث و مشکلات جاری جامعه آگاهی داشته باشد.
۲. در مسایل، مشکلات و امور جامعه ملی و محلی مشارکت فعال داشته باشد.
۳. در قبال وظایف و نقش‌های تفویض شده مسؤلیت‌پذیر باشد.
۴. نگران رفاه و آسایش دیگران باشد.
۵. رفتار و عملکرد وی مبتنی بر اصول اخلاقی باشد.
۶. نسبت به قدرت افرادی که دارای موقعیت مدیریتی هستند، پذیرش داشته باشد.
۷. توانایی بررسی و انتقاد از عقاید و ایده‌ها را دارا باشد.
۸. توانایی اتخاذ تصمیمات آگاهانه را دارا باشد.
۹. درباره حکومت و دولت کشور خود آگاهی و دانش کافی داشته باشد.
۱۰. دارای حس وطن‌پرستی باشد.
۱۱. نسبت به مسؤلیت‌های خانوادگی، پذیرش و مسؤلیت داشته باشد.
۱۲. از جامعه جهانی و مسایل روز آن آگاهی داشته باشد.
۱۳. به وجود تکثر و تنوع در جامعه احترام بگذارد (همان، ص ۲۶).

---

1. Lee

مطالعات بسیاری بر اهمیت رفتارهای شهروندی برای اثربخشی سازمان و گروه تأکید داشته‌اند (ارگان<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸؛ پودساکوف و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰، ص ۱۴۲) برخی پژوهشگران (باچراچ و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶) بر این گمانند که مدیران اعمال شهروندی کارکنان را برای درجه‌بندی عملکرد آنان به حساب می‌آورند (پودساکوف و همکاران، ۲۰۰۰، ص ۱۴۳).

اسمیت و همکاران (۱۹۸۳) و باتمن<sup>۴</sup> و ارگان (۱۹۸۳) اولین پژوهش‌ها را در ادبیات تحقیق رفتار شهروندی انجام دادند و دریافتند که رضایت شغلی بهترین نتیجه آن است.

### اهمیت و مزیت‌های رفتارهای شهروندی برای سازمان

رفتار شهروندی از دیدگاه سازمانی مطلوب است، زیرا چنین رفتارهایی به نظر می‌رسد که منابع موجود را افزایش می‌دهند و نیاز به مکانیزم‌های کنترلی هزینه بر را کاهش می‌دهند (ارگان، ۱۹۸۸؛ پودساکوف و مک کنزی<sup>۵</sup>، ۱۹۷۷، ص ۱۵۷).

صاحب نظرانی مثل کتز و کاهن<sup>۶</sup> مطرح می‌کنند که رفتارهای شهروندی سازمانی مهم است و می‌تواند برای سازمان‌ها بسیار ارزشمند، باشد و به عملکرد آنها کمک نماید و مزیتی رقابتی به شمار آید (نیمث و استاو<sup>۷</sup>، ۱۹۸۹، ص ۸۹).

کوهن و ویگودا<sup>۸</sup> مزیت‌های زیر را برای رفتار شهروندی برشمرده‌اند:

- بهبود بهره‌وری مدیریتی
- کارایی بالا در استفاده از منابع و اختصاص آنها
- کاهش هزینه‌های حفظ و نگهداری

- 
1. Organ
  2. Podsakof et al
  3. Bachrach et. al
  4. Bateman
  5. Mackenzie
  6. Katz and kahn
  7. Nemeth and Staw
  8. Cohen and Vigoda

- همکاری بهتر در میان افراد، گروه‌ها و بخش‌های وظیفه‌ای در انجام فعالیت‌های سازمانی
- بهبود جذابیت‌های سازمانی برای کارمندان جدید
- افزایش ثبات در عملکرد سازمان
- افزایش ظرفیت سازمان در تطبیق با تغییرات

رفتارهای شهروندی سازمانی برای مدیریت وابستگی‌های اعضا در میان یک واحد کاری مفیدند و بدین وسیله نتایج جمعی به دست آمده<sup>۱</sup> افزایش می‌یابند (نتی میر و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷). شهروندان خوب سازمانی یک سازمان را به وسیله ساده‌سازی وظایف نگهداری<sup>۳</sup> و آزاد سازی منابع<sup>۴</sup> برای بهره‌وری، توانمند می‌سازند تا منابع کمیاب را به طور مؤثری تخصیص دهند (بارمن و ماتو ویلدو<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳، ارگان، ۱۹۹۸)، آنها توانایی همکاران و مدیران را برای انجام موثرتر مشاغلشان از طریق طراحی برنامه‌ریزی و حل مسأله، بهبود می‌بخشند (مکنزی و همکاران<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱)، سازمان‌هایی که رفتارهای شهروندی خوب را پرورش می‌دهند،<sup>۷</sup> مکان‌های مکان‌های جذاب‌تری برای کار هستند و آنها می‌توانند بهترین افراد را به کار گیرند و حفظ نمایند (جورج و بتن هوسن<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰).

### شهروندی از منظر دین

در سطور پیشین، شهروندی از دیدگاه‌های متفاوتی مورد بررسی قرار گرفت. در بحث پیش رو به واکاوی این مفهوم از منظر دین می‌پردازیم.

آیا در آیات قران، احادیث و روایت‌های نقل شده از پیشوایان دین اسلام و سیره عملی و نوشتاری متدینان اثرگذار در جامعه دینی، نشانه‌ها و آثاری از مفهوم شهروندی یافت می‌شود؟

1. The collective out comes achived
2. Netemeyer et al
3. Maintenance functions
4. Freeing up resources
5. Borman and motowildo
6. Mackenzie et. al
7. Foster
8. George and Bettenhausen

در منابع اصیل ما این واژه، یا واژه‌های مترادف به کار نرفته‌اند، ولی برای تشکیل یکی از زندگی سالم، از «امت واحده» سخن به میان آمده است. از دیدگاه قرآن کریم، انسان‌ها وحدت در خلقت دارند، چون خداوند آنها را از نفس واحده آفریده است (یعنی حضرت آدم) از دیدگاه قرآن، این وحدت بشر در آفرینش، باید به وحدت در امت بینجامد، انسان‌ها فطرتاً با هم دوستی و الفت دارند و امتی واحد، متحد و همبسته را تشکیل می‌دهند (لک‌زایی، ۱۳۸۸).

در نه آیه قرآن از واژه «امت واحده» استفاده شده است (انبیا، ۹۲؛ مؤمنون، ۵۲؛ هود، ۱۱۸؛ شوری، ۸؛ مانده، ۴۸؛ نحل، ۹۳؛ بقره، ۲۱۳؛ یونس، ۱۹؛ زخرف، ۳۳).

علامه طباطبایی و رشید رضا در تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌گویند: بر اساس این آیه مردم در آغاز در امور دنیوی و مادیت امت واحد می‌بودند، یعنی همگی به نحو یکسان از مادیات بهره‌مند بودند تا این که با افزایش جمعیت بشر و گسترش نیازها، آنان برای رفع نیازهای خود به همکاری متقابل پرداختند و این امر موجب اختلاف بین آنان شده است. برای رفع این اختلافات خداوند پیامبران و قوانینی را در قالب شریعت برای مردم فرستاد، لکن عده‌ای از اهل کتاب با آگاهی و از سر ظلم در شریعت الهی نیز ایجاد اختلاف کردند و موجب تفرقه مردم شدند. بنابراین از دیدگاه علامه طباطبایی و رشید رضا، امت واحدی که قرآن حکایت می‌کند در امور دنیوی و مادیات واحد بوده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۴، ص ۱۱؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴، ص ۲۷۶).

بنابراین در اسلام زیر نام امت مفهوم تازه‌ای از اجتماع ارائه داده شد. یکی از مهم‌ترین وجوه امت این است که اسلام تفاوتی میان افراد به عنوان اعضای اجتماع نمی‌گذارد، نژاد، قومیت، ایل‌گرایی و ملی‌گرایی به مثابه مبنایی که به موجب آن، عضوی از اجتماع از دیگران متمایز شود، کاربردی ندارد.

تک‌تک افرادی که امت اسلامی را تشکیل می‌دهند، دارای مسؤولیت‌ها و وظایف متعددی هستند که در متون دینی به طور مشخص به برخی از آنها اشاره شده است. بنابراین در فلسفه سیاسی اسلام، امت دارای مفهومی است که جامعه اسلامی را از دیگر جوامع متمایز می‌سازد. در این نگرش، مرزهای عقیدتی و دینی امت‌ها را از هم دیگر جدا می‌سازند نه مرزهای جغرافیایی، و هر فردی که مسلمان و پای‌بند به قرآن و شریعت باشد شهروند امت اسلامی محسوب می‌شود و عناصری چون نژاد، قبیله و زبان تأثیری ندارند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴، ص ۹).

البته در آثار حکمای مسلمان همچون فارابی (فارابی، ۱۳۶۱، ص ۲۵۵) و خواجه نصیر طوسی (طوسی، بی‌تا، ص ۲۳۷-۲۳۹) نیز از مدینه فاضله سخن به میان آمده است که در آن هم

حاکمان و هم اتباع آنها برای رسیدن به سعادت با هم همکاری دارند و مردمان در مدینه فاضله شهروندانی وظیفه‌شناسی هستند.

فارابی مدینه فاضله را مدینه‌ای می‌داند که اولاً مردم و شهروندان آن مدینه و جامعه، سعادت و راه نیل به آن را شناخته‌اند و در مسیر آن با رفتاری صائب و اخلاقی فاضله گام بر می‌دارند. ثانیاً رییس مدینه - که به باور وی کامل‌ترین افراد است - در رأس مدینه قرار دارد و مردم را در مسیر نیل به سعادت یاری می‌کند، ثالثاً سعادت واقعی را نیز فارابی نه در کسب هر چه بیش‌تر لذات و یا افتخارات و اموال، بلکه در شناخت مبدأ و معاد و باور به نبوت و پیروی از احکام شریعت که سعادت ابدی را به دنبال دارد، تبیین می‌کند. فارابی همیاری مردم در مدینه فاضله را نیز جهت‌دار و مشتمل بر اموری می‌داند که موجب سعادت است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱).

فارابی مدینه‌های جاهله را مدینه‌هایی می‌داند که شهروندان آن نه راه سعادت را شناخته‌اند و نه در آن مسیر گام بر می‌دارند و نه نسبت به جهل خود به سعادت واقعی وقوف و آگاهی دارند (همان).

نکته قابل توجه در آرای فارابی در این باب آن است که وی شناخت سعادت را برای نیل به سعادت واقعی کافی نمی‌داند، بلکه رفتار و عملکرد را نیز مکمل آن می‌شمرد. لذا مدینه‌ای را که مردم و شهروندان آن راه سعادت را شناخته و به مبدأ و معاد باور دارند، اما در عمل در جهت معتقدات خود گام بر نمی‌دارند و رفتار آنان عملاً مانند مردم مدینه جاهله است، تحت عنوان مدینه فاسقه بر می‌شمارد و معتقد است که شهروندان این گونه مدینه‌ها نیز بر اساس اهداف غیر سعادت‌مندانانه که دنبال می‌کنند، می‌توانند متنوع و متکثر باشند و به سعادت واقعی نیز رهنمون نخواهند شد (همان، ص ۱۲۲).

پس می‌توانیم از وظایف و مسؤولیت‌هایی که در متون دینی برای افراد برشمرده شده است، به عنوان «وظایف و مسؤولیت‌های شهروندان مسلمان» یاد کنیم.

مفهوم شهروندی پیش از سده نوزدهم عبارت بود از چشم پوشی از منافع فردی و بزرگ دانستن خیر و صلاح عموم مردم، در سده قرن نوزدهم این مفهوم دگرگون گشته و شهروندان اساساً افراد تلقی شدند که به دنبال منافع خویش‌اند تا خیر همگانی، و این دگرذیسی مفهوم شهروندی را از محترم دانستن خیر و صلاح عموم مردم به برترانگاری فردی تنزل داد و هنوز نیز کماکان، به همان سان باقی است.

اما در اسلام شهروندان در عین حالی که باید به خیر عامه التزام داشته باشند باید در جهت تأمین منافع فردی نیز کوشا باشند و این هر دو باید تحت جلب رضا و خواست پروردگار عالمیان انجام پذیرند.

### رفتار شهروندی در متون دینی

رفتار مورد انتظار از امت اسلامی یا شهروندان جامعه اسلامی بر اساس نگرشی است که در اسلام به انسان وجود دارد. با مراجعه به دستورات و سخنان بزرگان دینی می‌توان برای انسان ایده‌آل و مطلوب اسلام، ویژگی‌های زیر را برشمرد که طبعا از نظر رفتاری نیز از آنان انتظارات خاصی وجود دارد:

۱. دارای علم و معرفت است، در آن حد که نه تنها رفتار او تحت سیطره غرایزش نیست و مقلد بی‌چون و چرای رفتار دیگران نمی‌باشد، بلکه کوشش او برای دگرگون ساختن محیط ناسالم و آگاهی دادن به دیگران در جهت تصحیح انگیزه‌ها و رفتار آنان است.
  ۲. محرک او رضای الهی و دستورات اوست، از حرکت و تلاش خود جز این مقصودی ندارد و هرگز در پی منافع زودگذر و حتی دیرپای خود نیست. در مسلک او خود دیدن شرک است.
  ۳. در برابر نعمت الهی شاکر و در برابر بلاها صابر است و چون شکر مخلوق را شکر خالق می‌داند، اگر از دیگران خدمتی ببیند به نحو شایسته‌ای جبران می‌کند.
  ۴. کریم و با سخاوت است، نه تنها بخل و امساک ندارد، بلکه هرچه دارد از خود نمی‌داند. خود را وکیل و امانت‌دار می‌شمارد، چرا که مال در نظر او ارزش استقلالی ندارد.
  ۵. پرکار و مسئولیت‌پذیر و در عین حال راضی و قانع است. تلاش او در راستای خدمت به جامعه و انجام وظیفه است.
  ۶. در نزد او، خود و نفع خود معنایی ندارد، اگر به خود پردازد از روی وظیفه است، و گرنه، ایثار، همه رفتار او را تشکیل می‌دهد (خنیفر، ۱۳۸۵، ص ۹۴).
- در متون دینی اسنادی داریم که نشان دهنده ضرورت توجه به برخی از ابعاد رفتاری است که امروزه تحت عنوان رفتار شهروندی شناخته می‌شود.
- در فرهنگ دینی یک شهروند سلوکی متعهدانه دارد، او وظیفه‌شناس است و قول و قرارهای روشن، به موقع و مطمئن دارد. تخلف، دیرکرد، امروز و فردا کردن و دروغ‌های عملی

و قولی ندارد. وقت‌شناسی در میان همه اصناف و بخش‌ها و اقشار گوناگون حاکم ملت است. گروه‌های خدماتی و کارمندان دولت گرفته تا بخش‌های فرهنگی، آموزش، صاحبان حرف و به ویژه در مراودات خانوادگی همه وظیفه‌شناس و متعهد و درست‌کارند (شرفی، ۱۳۸۷).

هیچ شهروندی، شهروند دیگر را فریب نمی‌دهد چرا که می‌داند «لیس مٹا من ماکر مسلماً» (کلینی، ۱۳۶۵، حدیث ۲). روابط و تعاملات اجتماعی در جامعه دینی تعاملاتی انسانی و دو جانبه است، امانت‌ها حفظ می‌شوند. به وعده‌ها عمل می‌گردد، احقاق حق افراد باعث اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی نمی‌گردد (ابراهیمی، ۱۳۸۷).

ابراهیم بن عباس صولی می‌گوید: من ابی الحسن الرضا را هرگز ندیدم که در سخن گفتن با کسی درشتی کند. هرگز ندیدم سخن کسی را پیش از فراغ از آن قطع کند و هرگز درخواست کسی را که قادر به انجام دادن آن بود، رد نکرد. هرگز پاهای خود را در پیش کسی دراز نمی‌کرد و هرگز در برابر هم‌نشین تکیه نمی‌داد و هرگز با زبردستان خود درشت‌گویی نداشت. هرگز قهقهه نمی‌زد، بلکه خنده‌اش تبسم بود. هرگز آب دهان در معابر نمی‌انداخت. چون مجلس او خالی و سفره غذا انداخته می‌شد، همه افراد کوچک و بزرگ، حتی میرآخور را در کنار خود می‌نشاند و با آنها و از غذای آنها میل می‌کرد (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۶۰-۳۶۱).

عبدالعظیم حسنی می‌گوید: «امام رضا علیه السلام فرمود: ای عبدالعظیم! سلام مرا به دوستانم برسان و به آنها بگو: راه نفوذی برای شیطان بر خودشان قرار ندهند و دوستانم را به سکوت (کنترل زبان) و ترک مجادله (کشمکش‌های لفظی بی‌مورد) امر کن. و به آنها دستور بده که به همدیگر روآورند و به دیدار یکدیگر بشتابند؛ زیرا این کار وسیله تقرب به من است. و نیز به آنها امر کن خود را به بدنام کردن یکدیگر و اختلاف با هم مشغول نسازند، چرا که من سوگند یاد نموده‌ام که هرکس چنین کند و یکی از دوستان مرا خشمگین سازد از درگاه خدا بخواهم تا او را به سخت‌ترین عذاب‌ها گرفتار کند و در آخرت از زیانکاران باشد (همان، ص ۳۶۲)» (برگرفته از شرفی، ۱۳۸۷).

با مراجعه به متون دینی اسلامی می‌توان مهم‌ترین رفتارهای مورد انتظار از منظر دین را که از سوی پیشوایان دینی به آن تصریح شده است را به طور خلاصه در طبقات ذیل دسته‌بندی کرد:

### حسن خلق و خوش‌رویی

براساس تجسم اعمال در آخرت، بهشت نتیجه طبیعی و تجسم اعمال و خصلت‌های خوب است، چنانکه دوزخ تجسم اعمال بد، از این روی پیامبر اکرم به نقل حضرت رضا علیه السلام فرمودند:



(صاحب) خلق نیکو حتما در بهشت است، چنانکه صاحب خلق بد در دوزخ. *Archive of SID*

کسی از پیامبر ﷺ پرسید: دین چیست؟ پیامبر فرمودند: دین به نیکو بودن اخلاق است (مجلسی، ۱۴۲۹، ج ۷۱، ص ۳۹۳).

امام صادق علیه السلام: کامل ترین مردم از نظر عقل کسی است که اخلاقی نیکوتر داشته باشد (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۹۹).<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: حسن خلق رشته دوستی را استوار می سازد (مجلسی، ۱۴۲۹، ج ۷۱، ص ۴۸۶؛ ج ۷۷، ص ۱۴۸).<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: اخلاق نیکو روزی ها را زیاد می کند و در میان دوستان انس و الفت به وجود می آورد (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴۵۶).

امام صادق علیه السلام: خوش خویی روزی را زیاد می کند (مجلسی، ۱۴۲۹، ج ۷۷، ص ۲۳۱).  
و در آثار سوء خلق چنین آمده است: امام صادق علیه السلام: هر که دارای اخلاق زشت باشد خود را عذاب دهد (همان، ج ۹۳، ص ۲۴۵).

با مردم به نرمی برخورد کردن و در برابر آنان زیبا و مؤدب سخن گفتن و در مواجهه با دیگران گشاده رو بودن (ابن بابویه، ۱۳۶۱، ص ۲۵۳).<sup>۳</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرمودند: یکی از راه های سعادت آدمی در زندگی نیکویی اخلاق است، آنچنان که از جمله عوامل و اسباب بیچارگی انسان زشتی اخلاق اوست (عاملی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۳).<sup>۴</sup>

### رعایت حقوق سایرین

رعایت و توجه به حقوق دیگر هم نوعان خصوصا نزدیکان و همسایگان همیشه مورد تأکید متون دینی بوده است. رسول گرامی اسلام می فرمایند: حرمت همسایه بر انسان به مانند حرمت مادر است (مجلسی، ۱۴۲۹، ج ۷۴).<sup>۵</sup> خود را با همسایه نیکو ساز تا مؤمن باشی (همان). پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرط داشتن ایمان را نیکویی به همسایگان می داند.

۱. أكمل الناس عقلاً أحسنهم خلقاً.

۲. حسن الخلق یثبت الموده.

۳. تلین جانبک وتطیب کلامک تلقی أخصاک بیشر حسن.

۴. من سعادة الرجل حسن الخلق ومن شقاوته سوء الخلق.

۵. حرمة الجار علی الإنسان كحرمة أمه.

مؤمن در سلوک فردی و در ارتباط با مردم نه تنها آزار و اذیتی به آنها نمی‌رساند، به آنها بدی نمی‌کند، خیانت نمی‌نماید و سبب رنجش آنها نمی‌شود، بلکه به برکت ایمان و مسلمانی، خیرخواه، خدمتگزار و دوست مردم است. اگر تمام شهروندان مؤمن یک جامعه نسبت به همدیگر چنین مثبت‌نگر و خیرخواه و خیر رسان باشند، نه تنها تعدی و ظلمی پدید نمی‌آید، بلکه بالاتر از عدل و انصاف، رحمت و مهربانی مشام جان‌ها را نوازش می‌دهد. حضرت رضا علیه السلام با تعابیر تند و بیمناکانه‌ای از بدی کردن به دیگران منع کرده است، چنانکه می‌فرماید تمام مؤمنان باید نسبت به یکدیگر احساس برادرانه داشته باشند (برگرفته از شرفی، ۱۳۸۷):

«مؤمن برادر مؤمن است و برای پدر و مادرش، پس:

ملعون است، ملعون است آن که به برادرش تهمت زند.

ملعون است، ملعون است آن که برادرش را بفریبد.

ملعون است، ملعون است آن که در موقع لزوم برای برادرش خیرخواهی نکند.

ملعون است، ملعون است آن که خود را از برادرش پنهان کند و برای کمک در دسترس

او نباشد.

ملعون است، ملعون است آن که غیبت برادرش کند» (رضوی قمی، ۱۳۵۴، ص ۹۰).

«بر مسلمان حرام است که برادرش را بترساند و موجب ترس و وحشت او شود» (همان، ۹۱).

### خودبهبودی و خودتعلیمی

قال علی علیه السلام: هر کس دو روزش یکسان باشد زیان دیده است.<sup>۱</sup>

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: از ما نیست کسی که روز به روز به محاسبه و ارزشیابی

کارهای خود نپردازد (مجلسی، ۱۴۲۹).<sup>۲</sup>

### مشارکت

قال الباقر علیه السلام: من از فردی که در امر دنیایش تنبل و کسل باشد، بیزارم، هر کس که در مسایل

۱. من استوی یوماه فهو مغبون.

۲. لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم.

دنیایی تنبل باشد، در امور مربوط به آخرتش تنبل تر و کسل تر است (عاملی، بی تا، ج ۱۲، ص ۳۷). *Archive of SID*

قال رسول الله ﷺ: آن کس که شب را صبح کند، در حالی که به کارهای مسلمانان همت نگمارد، مسلمان نیست (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶۳).<sup>۲</sup>

### کمک و امداد رسانی

قال رسول الله ﷺ: کسی که افراد دارای ضعف و ناتوانی در جسم را کمک نماید، خداوند او را در کارهایش کمک خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۲۹، ج ۷۵، ص ۲۱).<sup>۳</sup>

قال الصادق عليه السلام: هرگاه مؤمنی از کمک به برادران مؤمن خویش خودداری کند، با اینکه توانایی یاری او را دارد، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار و ذلیل خواهد کرد (همان، ص ۱۷).<sup>۴</sup>

قال رسول الله ﷺ: کسی که برادر مسلمان خود را کمک کند و او را از غم و اندوه و سقوط در زندگی نجات بخشد، خداوند برای او ده حسنه می نویسد و ده گرفتاری را از وی برطرف می نماید و در روز قیامت شفاعت ده نفر را از او قبول می کند (ابن بابویه، ۱۲۹۹، ص ۱۷۸).<sup>۵</sup>

### محبت و دوستی

حضرت علی عليه السلام فرمودند: ای مالک، باید دلت کانون مهر و دوستی برای زیردستان باشد، به آنان مهربانی کن و لطفت را شامل حالشان کن (نهج البلاغه، نامه ۵۳).<sup>۶</sup>

### مدارا و گذشت

حضرت علی عليه السلام: ای مالک با بخشش و بزرگواری لغزش ها و نادارستی های قابل جبران را ببخش، همچنان که دوست می داری خداوند از خطا و لغزش تو در گذرد (همان).<sup>۷</sup>

۱. إني لأبغض الرجل ان يكون كسلانا عن أمر دنياه ومن كسل عن أمر دنياه فهو عن أمر آخرته أكسل.

۲. من أصبح ولا يهتم بأمور المسلمين فليس بمسلم.

۳. من أعان ضعيفاً في بدنه على أمره أعانه الله على أمره.

۴. ما من مؤمن يخذل أخاه وهو يقدر على نصره إلا خذله الله في الدنيا والآخرة.

۵. من أغاث أخاه المسلم حتى يخرج منه هم وكربة ورطة كتب الله له عشر حسنات ورفع عنه عشر نفقات وأعدله يوم

القيامة عشر شفاعات.

۶. وأشعر قلبك الرحمة للرعية والمحبة لهم والطف بهم.

۷. فأعطهم من عفوك وصفحك مثل الذي تحب أن يعطيك الله من عفوه وصفحه.

پیامبر اکرم ﷺ: هیچ یک از مسلمانان را نباید تحقیر کرد و کوچک شمرد؛ زیرا کوچک آنان نیز در پیشگاه خداوند بزرگ است.<sup>۱</sup>

### وفاداری

در چند جای قرآن امر به وفای عهد آمده است ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾. پیامبر ﷺ فرمودند: آنکه به خدا او روز قیامت ایمان دارد، وقتی وعده می‌دهد به آن وفا می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۶۴).<sup>۲</sup>

در نامه ۵۳ امام علی علیه السلام به مالک اشتر صفت وفاداری و صداقت از ویژگی‌های مهم بازرسان حکومتی قلمداد شده است: برای آنان ناظرانی بگمار که نسبت به تو وفادار و راستگو باشند.<sup>۳</sup>

### بردباری

انسان مؤمن فردی صبور و شکیبیا است و خداوند مؤمنین را امر به صبر کرده است، ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ﴾ (لقمان، ۱۷) بر آنچه به تو وارد می‌شود، شکیبایی کن.

﴿وَاللَّهُ يَجِبُ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران، ۱۴۶)؛ خداوند صابران را دوست دارد.

امام صادق علیه السلام: اگر بردبار نیستی، آن را بر خودت تحمیل کن (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۱۲).<sup>۴</sup>

### پیش‌قدمی در کارها

مؤمنان در نیکی‌ها از یکدیگر پیشی می‌گیرند.

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ (بقره، ۱۴۸)؛ در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت بجوید.

﴿وَسَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ﴾ (حدید، ۲۱)؛ به سوی مغفرت و بخشش پروردگار و

بهشت سبقت بگیرید.

۱. لا تحقرن احداً من المسلمين فإن صغيرهم عند الله كبير.

۲. من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليوف إذا وعد.

۳. ثم تفقد اعمالهم وابتع العيون من أهل الصدق والوفاء عليهم.

۴. إذا لم تكن حليماً فتحلم.

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾ (واقع، ۱۰ و ۱۱)؛ آنها که به خیرات و معرفت و

رحمت سبقت گرفتند، مقربین درگاه خدا هستند.

آنچه گذشت نیم نگاهی بود به سلوک فردی شهروندان در یک جامعه دینی، که برخی از آنها را شمرده و یادآور شدیم. اگر شهروندان جامعه‌ای با اراده عمومی و همگانی و با صداقت و مصمم به این وظایف عمل کنند، بدون شک آرمان‌شهر و مدینه فاضله در برترین مرتبه تحقق می‌یابد. و آرزوی دیرینه دانشوران پرفضیلت و خیرخواهان حکیم و فرزانه محقق می‌شود. بدین وسیله آدمی طعم شیرین زندگی سالم و حیات طیبه را در پرتو تعالیم الهی می‌چشد و بزرگ‌ترین آرزوی خود را به برکت دل بستن به آموزه‌های دینی تجربه می‌کند.

### نتیجه

برای داشتن زندگی بهتر و رشد و شکوفایی و دست‌یابی به آمال و آرزوهای دنیوی و اخروی می‌توان با تمسک به آموزه‌های وحیانی و اقتدا به گفتار و کردار پیشوایان دینی جامعه‌ای بنیان نهاد که در آن همه زمینه‌های توفیق مهیا باشد. یکی از مهم‌ترین اسباب این توفیق وجود شهروندانی مفید و آرمانی است. درباره شهروندی از ابعاد مختلفی گفتگو و بحث به میان آمده است که بعد مورد توجه در این نوشتار رفتاری بود. برای شهروند مطلوب ابعاد رفتاری گوناگونی بر اساس مبانی فلسفی و فکری معرفی شده است که در جای خود ارزشمند و قابل توجه است. شهروند آرمانی و مطلوب بر اساس مبانی دینی ویژگی‌ها و خصلت‌های خاصی دارد.<sup>۱</sup> مطالعات میدانی نشان می‌دهند که ویژگی‌های رفتاری شهروندان در اثربخشی و کارآمدی سازمان‌ها تأثیر مثبت دارد و ما می‌توانیم با توسعه و ترویج رفتارهای شهروندی مطلوب از دیدگاه دین به افزایش بهره‌وری جامعه خود کمک نماییم.

۱. که ما به بخشی از آن در حد بضاعت در این سطور و شرایط مجله وزین علمی- پژوهشی فلسفه دین

اشاره کردیم.

## منابع و مأخذ

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۲). *غرر الحکم ودرر الکلم*. ترجمه محمد خوانساری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. ابراهیمی، عبدالله (بی تا). *ارزش‌های اجتماعی در آرمان شهر رضوی*، <http://shahrebehesht.ir>
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۲۹۹ق). *ثواب الاعمال*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۱). *معانی الاخبار*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۵ق). *مناقب آل ابی طالب*. نجف: المطبعه الحیدریه.
۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴). *مبانی اندیشه اسلامی*. قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷. خاتمی، سید محمد (۱۳۷۹). *از دنیای شهر تا شهر دنیا*. تهران: نشر نی.
۸. خنیفر، حسین (۱۳۸۵). *کارآفرینی در نظام ارزشی*. قم: انتشارات اکرام.
۹. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق). *المنار*. ج ۲، بیروت: دارالمعرفه.
۱۰. رضوی قمی، محمدتقی (۱۳۵۴ق). *الدره البیضاء*. بی جا: بی نا.
۱۱. شرفی، حسین (بی تا). *سلوک فردی شهروندان در آرمان شهر رضوی*، <http://shahrebehesht.ir>
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۴ق). *المیزان*. ج ۲، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۳. طباطبایی، محمدرضا؛ علیخانی، علی اکبر؛ و همکاران (۱۳۸۶). *روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۴. طوسی، خواجه نصیرالدین (بی تا). *اخلاق ناصری*. تهران: چاپ افست مروی.
۱۵. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۲). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشر نی.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *تاریخ فلسفه سیاسی غرب از آغاز تا پایان سده‌های میانه*. تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.

۱۷. فارابی، محمد بن محمد (۱۳۶۱). *اندیشه‌های اهل مدینه فاضله*. تهران: کتابخانه طهوری. *Archive of SID*
۱۸. فالکس، کیث (۱۳۸۱). *شهروندی*. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۱۹. کاستلز، استفان؛ دیویدسون، آلیستر (۱۳۸۲). *مهاجرت و شهروندی*. ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *کافی*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۹ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث.
۲۲. مدانلو، یاسمن (۱۳۸۶). *تعیین مؤلفه‌های آموزش شهروندی در دوره راهنمایی جهت ارائه چارچوب نظری مناسب*. پایان‌نامه دکتری.
۲۳. مک‌الم، جرال د سی (۱۳۸۳). *فلسفه سیاسی*. ترجمه بهروز جندقی، قم: کتاب‌طه.
۲۴. نجاتی‌حسینی، محمود (۱۳۸۰). *بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران*. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
25. Batemen, T. S., & Organ, D. W. (1983). Job satisfaction and the good soidir: The relationship between affect and employee citizenship. *Academy of Management Journal*, 26, 587-595.
26. Borman, W. C., & Motowidlo, S. J. (1993). Expanding the criterion domain to include elements of contextual performance. In N. Schmitt, & W. C. Borman (Eds), *Personnel Selection in Organizations*, San Francisco, CA: Jossey-Bass.
27. Farh, J. L., Zhong, C. B., & Organ, D. W. (2004). Organizational citizenship behavior in the People's Republic of China. *Organization Science*, 15, 241-253.
28. George, J. M., & Bettenhausen, R. (1990). Understanding prosocial behavior, sales performance, and turnover. *Journal of Applied Psychology*, 75(6), 698-709.
29. Graham, J. W. (1991). An essay on organizational citizenship behavior. *Employee Response Rights Journal*, 4, 249-270.
30. Katz, D., & Kahn, R. L. (1966). *The Social Psychology of Organizations*. New York, NY: Wiley.
31. Konovsky, M. A., & Pugh, S. D. (1994). Citizenship behavior and social exchange. *Academy of Management Journal*, 37, 656-696.
32. Mackenzie, S. B., Podsakoff, P. M., & Fetter, R. (1991). OCB and

- Objective productivity as determinants of managerial evaluations of salespersons' performance. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50, 123-150.
33. Netemeyer, R. G., Boles, J. S., Mckee, D. O., & Mc Murrian, R. (1997). An investigation into the antecedents of organizational citizenship behaviors in a personal selling context. *Journal of Marketing*, 61, 85-98.
  34. Podsakoff, P. M., & Mackenzie, S. B. (1997). The impact of organizational citizenship behavior in organizational performance: review and suggestion for future research. *Human Performance*, 10, 133-151.
  35. Smith, C. A., Organ, D. W., & Near, J. P. (1983). Organizational citizenship behavior: Its nature and antecedents. *Appl. Psych. Journal*, 68, 653-663.
  36. Van Dyne, L., Graham, J. W., & Dienesch, R. M. (1994). Organizational citizenship behavior: Construct redefinition, measurement, and validation. *Academic Management Journal*, 37, 765-802.